

به نام خدای مهربان

ماجراهای اسب راه راهی - ۱

توکی هستی

اسب راه راهی؟

نوشته‌ی جیم هلمور / تصویرگر: کارن وال / ترجمه‌ی مژگان شیخی





این اثر توسط داوران و کارشناسان دبیرخانه
ساماندهی منابع آموزشی و تربیتی دفتر تکنولوژی
آموزشی و کمکآموزشی آموزش و پرورش، مناسب
و مرتبط با برنامه‌های درسی دانسته شده است.



زنگ قاطد کتاب‌های واحد کودک و نوجوان

دفتر و نمایشگاه مرکزی:
تهران، خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، خ محشی، شماره ۱۵، طبقه اول غربی
تلفن: ۰۲۶۴۱۰۵۰۴ (۵ خط) • فکس: ۰۲۶۴۶۸۲۶۳
کد پستی: ۱۳۱۱۵۰۵۳۳۹۳ • سامانه پیامکی: ۰۰۰۰۶۶۶۶۳
www.zekr.co • Email: zekr_publishery@yahoo.com



تو کی هستی اسب راهراهی؟	نویسنده: جیم هلمور • مترجم: مژگان شیخی • تصویرگر: کارن وال
عنوان و نام پدیدآور	مدیر هنری و اجرای جلد: حسین نیچیان
متجم مژگان شیخی.	صفحه‌آرا: شهرزاد شوشتاریان
مشخصات نشر	لیتوگرافی: گلپا • کد: ۹۳/۲۴۷
تهران: ذک، کتاب‌های قاصدک.	تیراز: ۱۵۰۰ جلد ۱ • چاپ دوم: ۱۳۹۷
فروش	شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۲۵۵-۱
ماجراهای اسب راهراهی؛ ۱.	یادداشت: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۲۵۵-۱
مشخصات ظاهری	مشخصات فهرست‌نویسی: فیبا
۳۲ ص: مصور (رنگی).	شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷-۵
۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۲۵۵-۱	شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷-۵
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا	موضوع: کلیهی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای
عنوان اصلی: Who are you, stripy horse?	شناخت افسوده: شناسه افسوده
یادداشت: کاره سنه: الف، ب.	شناخت افسوده: شناسه افسوده
گروه سنه: الف، ب.	ردیبدنی دیوبی: موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر محفوظ است.
دادستان‌های تخلیه-عروی‌سکها - داستان Wall, Karen	شماره کتابشناسی ملی: قیمت: ۵۵۰۰ تومان
شیخی، مژگان، -، مترجم	
۱۳۹۲ م: ۰۵۶۲۵۱۳۹۲	
۳۱۰۸۸۱۱	

چاپ دوم

برندۀ جایزه نقدۀ ای
کتاب های پیش دبستان
در سال ۱۴۰۰

برندۀ جایزه کتاب
کودکان شنید

برای پیش دبستانی ها
و سال های
اول و دوم دبستان

The background of the page is a vibrant blue night sky filled with numerous white, four-pointed star shapes of varying sizes. In the lower-left corner, there's a partial view of a brick building with a red-tiled roof and several windows. A street lamp with a single lit bulb stands on the sidewalk in front of it. The overall atmosphere is whimsical and dreamlike.

آسمان پر از ستاره بود. در خیابان باریک و بلندی یک مغازه
خرت و پرت فروشی بود. توی مغازه همه چیز ساکت بود.
ولی ناگهان اتفاق عجیب و غریبی افتاد.



خرید و فروش

لوازم

بسته

نور ماه از پنجره‌ی مغازه پایین و پایین‌تر آمد. به نوک
دماغ اسب کوچولو رسید و قلقلکش داد. او یک اسب
پارچه‌ای راه را بود.

ها... پیچه...



اسب راه راهی عطسه‌ی بلند و پر سر و صدایی کرد و بیدار شد.